

## پیدایش و رشد ادبیات تطبیقی در ژاپن

ناهید حجازی\*

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۹

### چکیده

بعد از جنگ جهانی دوم و با خروج تدریجی ژاپن از انزوای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زمینه برای رشد ادبیات تطبیقی فراهم شد، و محققان تطبیق‌گر در نتیجه اشتیاق به مدرنیسم از ادبیات تطبیقی با تأثیرپذیری از مکتب فرانسه استقبال کردند. انجمن ادبیات تطبیقی در سال ۱۹۴۸ تأسیس و اولین شماره مجله آن در ۱۹۵۸ چاپ شد. اگر نه همه اما در اکثر دانشگاه‌های ملی و خصوصی درس‌های علوم اجتماعی و انسانی و به‌خصوص ادبیات با جنبه بین‌المللی و بین‌فرهنگی برگزار می‌شود و دانشگاه‌های خصوصی در این زمینه فعال‌تر و نوآورتر بوده‌اند. در سال ۲۰۰۲ توافق‌نامه‌های بین‌المللی برای اتقای مطالب درسی با دانشگاه‌های خارجی امضا کردند و تعداد اساتید خارجی افزایش یافته است. گرچه ژاپن کشوری در شرقی‌ترین قسمت آسیا محصور در آب با زبان و خط کاملاً متفاوت است و پیش‌تاز نظریه‌های جدید در حوزه ادبی و ادبیات تطبیقی نبوده، اما توانسته است برخی نظریه‌های ادبی جهانی را؛ حفظ سنت‌ها و فرهنگ خود مورد استفاده قرار دهد، و برخی جنبه‌های فرهنگ و ادبیات خود را که در قالب آن نظریه‌ها در می‌آید به جهانیان بشناساند.

**کلیدواژگان:** ادبیات تطبیقی، تطبیق‌گران ژاپن، انجمن ادبیات تطبیقی ژاپن، دانشگاه‌های ژاپن.

---

\* عضو هیأت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه ادبیات تطبیقی (استادیار). n.hejazi2010@yahoo.com

## آغاز ادبیات تطبیقی در ژاپن

ادبیات ژاپن تا پیش از قرن نوزدهم به دلیل تعاملات فرهنگی، تجاری و سیاسی با چین و هند از این دو کشور به خصوص چین بسیار متأثر بوده است. تا پیش از دوران مدرن چین انتقال‌دهنده فرهنگ و ادبیات خود به ژاپن و کره بود، اما در دوران مدرن این ارتباط تغییر کرد و ژاپن پیام‌آور مدرنیسم شد و چین و کره از طریق ژاپن با ادبیات غرب آشنا شدند. جنگ جهانی دوم ژاپن را با شرایط اجتماعی-سیاسی خاصی مواجه کرد. در این دوران ژاپن تمایل به ارتباط با کشورهای اروپایی نداشت و با تکیه بر برتری فرهنگ‌اش خود را در انزوا نگه می‌داشت. این سیاست ژاپن بعد از جنگ بسیار مورد انتقاد قرار گرفت. واتسوجی تتسورو<sup>۱</sup> (۱۸۸۹-۱۹۶۰) پنج سال پس از اتمام جنگ در سال ۱۹۵۰ کتابی به نام «انزوای ملی»<sup>۲</sup> به چاپ رساند و گفت سیاست ژاپن از قرن هفدهم تا نوزدهم خلاقیت ژاپنی‌ها را سرکوب کرده و تاریخ ژاپن را به قهقرا برده است. گفته‌های وی بسیار مؤثر افتاد و به منزله انتقادهای مستحکمی برای دوران انزوای (۱۶۳۹-۱۸۵۴) ژاپن تلقی شد؛ و از این زمان به بعد محققان ژاپنی با دیدگاه جدیدی به امور اجتماعی و فرهنگی توجه کردند و خواهان ارتباط با جهان خارج شدند. در چنین شرایطی امکان رشد ادبیات تطبیقی فراهم شد و تطبیق‌گران ژاپنی با تأثیرپذیری از مکتب پوزیتیویستی فرانسه روش‌های تحقیقات و مطالعات ادبی گذشته را تغییر دادند. در واقع نقطه عطف ادبیات تطبیقی در ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم همزمان با شروع رونق اقتصادی سیاسی و فرهنگی در این کشور می‌باشد. البته این بدان معنا نیست که بعد از جنگ جهانی دوم ادبیات تطبیقی در این کشور صاحب نظام دانشگاهی شده بلکه ادبیات تطبیقی تا آن زمان بیشتر حوزه‌ای ناشناخته بود. در آن دوران محققان اندکی مثل چو بوچی شویو<sup>۳</sup> (۱۸۵۹-۱۹۳۵) پیشرو ادبیات تطبیقی بوده‌اند. چو بوچی هنگامی که در دانشگاه واسدا<sup>۴</sup> تدریس می‌کرد کتاب «ادبیات تطبیقی»<sup>۵</sup> هاچیسن مکولی پوسنت (۱۸۸۶) را اساس کار خود قرار داد. محققان این

<sup>۱</sup> Watsuyi Tetsuro

<sup>۲</sup> *National Seclusion*

<sup>۳</sup> Tsubouchi Shoyo

<sup>۴</sup> Waseda University

<sup>۵</sup> Hucheson Macaulay Posnett's *comparative Literature*

دوره بسیار مشتاق شناخت این دانش جدید اروپایی بودند و چون خواستار مدرن شدن و مدرنیزه شدن بودند از این حوزه جدید استقبال می‌کردند. چو بوچی و معدود افراد هم‌دوره او به مطالعات تطبیقی علاقه‌مند بودند اما ارزش این حوزه مطالعاتی سال‌ها بعد از او مشخص شد.

از نخستین چهره‌های فعال در ادبیات تطبیقی *ناتسوم سوسِکی*<sup>۱</sup> (۱۹۱۶-۱۸۶۷) رمان‌نویس مشهور در دوران میجی است. وی در انگلستان بین سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۳ تحصیل کرده و استاد ادبیات انگلیسی در دانشگاه امپریال توکیو بود، که با کنار هم قرار دادن دیدگاه‌های متفاوت فرهنگی به نقد ادبی می‌پرداخت. روش او مورد علاقه پژوهشگران ژاپنی قرار نگرفت اما اهمیت دیدگاه *ناتسوم* بعدها نزد نسل‌های بعد جای خود را پیدا کرد.

از دیگر محققانی که بعد از جنگ جهانی دوم آثارشان سبب رشد ادبیات تطبیقی شد می‌توان از *شین مور* / *یزورو*<sup>۲</sup> (۱۹۶۷-۱۸۷۶)، *تویودا مینورا*<sup>۳</sup> (۱۹۷۲-۱۸۸۵) و *گوتا سوئو* (۱۹۶۷-۱۸۸۶)<sup>۴</sup> نام برد. *شین مور* زبان‌شناسی بود که تأثیر فرهنگی پرتغال و اسپانیا را بر ژاپن در قرن شانزدهم مطالعه و بررسی کرد. *تویودا* به بررسی تأثیر فرهنگی بین ژاپن و بریتانیا پرداخت و *گوتا* تأثیر گزارش‌های ژوئیت‌های فرانسوی را بر چینی‌ها در قرن هفدهم مستند کرد. گرچه این مطالعات جنبه تاریخ فرهنگی دارد اما جزو اولین ارتباط‌های پویای فرهنگی بعد از جنگ جهانی دوم بین کشورهای اروپایی با ژاپن محسوب می‌شود.

مسأله قابل توجه تفاوت تطبیق‌گران معاصر ژاپنی با هم‌قطاران پیش از خود در ژاپن است. محققان تطبیق‌گر معاصر با حساسیت‌های بسیاری به مقایسه ادبیات خود با ادبیات کشورهای اروپایی می‌پردازند. آن‌ها ضمن ضرورت آگاهی از هویت فرهنگی خود نسبت به دیگر فرهنگ‌ها بی‌تفاوت نمانده‌اند و از نگرش‌های ملی‌گرایانه فراتر رفته‌اند. یکی از مهم‌ترین اهداف این محققان توجه به تقابل بین فرهنگ خود و دیگر فرهنگ‌ها است. این تقابل بین حفظ هویت فرهنگی خود و داشتن نگرش چندفرهنگی نه فقط در

<sup>۱</sup> Natsume Soseki

<sup>۲</sup> Shinmura Izuru

<sup>۳</sup> Toyoda Minoru

<sup>۴</sup> Goto Suéo

ژاپن بلکه در همه کشورها از مسائل مهمی بوده که محققان با آن در چالش‌اند. محققان ژاپنی برای کاستن تقابل موجود، در داخل کشور به جنبه‌های جهانی در ادبیات محلی توجه می‌کنند، و آن‌هایی که در خارج از کشور هستند به میراث فرهنگی اهمیت می‌دهند و با احتیاط مفاهیم و نظریه‌های ادبی غربی را استفاده می‌کنند (یوشی هیرو: ۴۹۸). یکی از دلایلی که تطبیق‌گران ژاپنی به هویت فرهنگی خود اهمیت می‌دهند و با احتیاط مفاهیم و نظریه‌های ادبی غربی را استفاده می‌کنند آن است که ادبیات تطبیقی اروپامحور است و ریشه در اروپا دارد. برای مثال پرفسور دونگ چو می‌گوید:

«تعریفی که ادبیات اروپا از ژانرها دارد و درام را به تراژدی یا کمدی تقسیم می‌کند، نظریه‌ای کلی در جهان ادبیات محسوب می‌شود که همیشه بر ادبیات آسیای شرقی قابل اطلاق نیست. یک نوع درام کاملاً متفاوت در داستان‌های قهرمانانه کره‌ای وجود دارد که پایان آن با شادمانی همراه است و مسلماً این نوع درام در تقسیم‌بندی غرب از درام وجود ندارد. هم‌چنین آن نوع کمدی و تراژدی غرب در ادبیات ژاپن هم وجود ندارد. در ادبیات ژاپن بیشتر اندوه و تنهایی با ترکیبی از کمدی همراه است» (چو: ۲۰۵)

بنابراین از آنجا که مفاهیم ادبی در چارچوب فرهنگی قرار دارند تطبیق‌گران ژاپنی برای دوری جستن از اروپامحوری مفاهیم غربی، ژانرهای ادبی را با احتیاط به کار می‌برند.

بعد از جنگ جهانی دوم آرام آرام ادبیات تطبیقی جای خود را در ژاپن باز کرده است. تأسیس انجمن ادبیات تطبیقی ژاپن (YCLA) در سال ۱۹۴۸، و تأسیس رشته "ادبیات و فرهنگ تطبیقی" در مقطع لیسانس در دانشگاه توکیو در ۱۹۵۳ از شاخص‌های مهم بر تأیید این مطلب است. از این دوران به بعد اگر نه همه اما در بیشتر دانشگاه‌ها رشته‌هایی برای مطالعات ادبی تطبیقی تشکیل شد و مطالعات و تحقیق درباره تأثیر ادبیات غرب بر ژاپن رونق یافت. در نتیجه این اشتیاق به ادبیات غرب ادبیات مدرن ژاپن بسیار از نظریات ادبی غرب متأثر شد، و آن برتری‌بینی فرهنگ خودی در دوران جنگ به ارتباط قوی بین ادبیات ژاپن و غرب تبدیل شد.

### بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی در دانشگاه‌های ژاپن

شاید بتوان به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های رونق ادبیات تطبیقی در ژاپن، سیاست‌های بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی مؤسسات آموزش عالی ملی و خصوصی در این کشور را نام برد؛ که گویای وسعت فعالیت‌های این کشور در فراهم کردن شرایط مناسب برای آشنا ساختن دانشجویان با دیدگاه‌ها و مطالب درسی بین‌المللی است.

طی چند دهه اخیر و بعد از سال ۲۰۰۰ دولت ژاپن تعداد دانشجویان خارجی خود را دو برابر کرده است که ۹۲٪ آن‌ها از کشورهای آسیایی هستند، ۵۶٪ از چین و ۱۶٪ از کره جنوبی. بیش از نیمی از دانشجویان در رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی و تعدادی هم در رشته علوم و به‌خصوص مهندسی به تحصیل مشغول‌اند. نقش دانشگاه‌ها مؤسسات خصوصی در ارائه برنامه‌های درسی مختلف به دانشجویان خارجی قابل توجه است و فعال‌تر از دانشگاه‌ها و مؤسسات ملی هستند. نیمی از دانشجویان کارشناسی در مؤسسات ملی به تحصیل مشغول می‌شوند و بیش از دو سوم دانشجویان کارشناسی و تقریباً همه دانشجویان متقاضی دوره‌های کوتاه‌مدت در دانشگاه‌های خصوصی درس می‌خوانند. در سال ۲۰۰۰ تقریباً ۳۷٪ دانشجویان خارجی لیسانس برای کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌ها، ۴۳٪ دانشجویان در مقطع کارشناسی و ۲۰٪ در دوره‌های کوتاه‌مدت ثبت‌نام کردند.

به دلیل افزایش تعداد دانشجویان خارجی تلاش شده است برخی رشته‌ها به زبان انگلیسی به‌خصوص برای دانشجویان خارجی در بسیاری از مؤسسات گذاشته شود. این رشته‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود؛ رشته‌هایی که مخصوص دانشجویان خارجی طرح‌ریزی شده و مدرک هم می‌دهد و بیشتر در مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های ملی در رشته‌های علوم، فیزیک، مهندسی، زیست‌شناسی و پزشکی است. رشته‌های دیگر که به زبان انگلیسی برای دانشجویان آمریکای شمالی، اروپا و دیگر کشورهای انگلیسی‌زبان در مقطع لیسانس برگزار می‌شود. بنا به مدت زمان این رشته‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند دوره‌هایی یکساله که در همه دانشگاه‌های ملی در رشته‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی و علوم است. رشته‌هایی که دوره آن ۴ ماه تا یک سال است و در همه دانشگاه‌های تقریباً خصوصی در رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی عرضه می‌شود.

در سال ۲۰۰۱ این دو نوع رشته در ۲۱ دانشگاه ملی و ۲۰ دانشگاه خصوصی برگزار شد. در بسیاری از دانشگاه‌ها رشته‌های فیزیک، مهندسی و پزشکی به انگلیسی عرضه می‌شود. اما در رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی درس‌ها کمتر به انگلیسی است. برای مثال در دانشکده مهندسی در دانشگاه توکیو دانستن زبان انگلیسی حتی برای دانشجویان ژاپنی از اهمیت زیادی برخوردار است چون می‌توانند تحقیقات خود را بهتر به پیش ببرند و تعامل‌های بیشتری با دیگران در خارج از کشور داشته باشند. به همین دلیل نه فقط استادان دانشگاه را تشویق می‌کنند که سخنرانی و درس خود را به انگلیسی ارائه کنند، بلکه به دانشجویان هم توصیه می‌شود گزارش‌ها یا پایان‌نامه‌های کارشناسی و دکتری خود را به ژاپنی و انگلیسی هر دو بنویسند. اما در برخی رشته‌ها برعکس مثل گروه اقتصاد دانشگاه توکیو به صراحت گفته شده است که هیچ مدرکی در مقطع کارشناسی یا بالاتر به انگلیسی داده نمی‌شود و همه درس‌ها برای دانشجویان خارجی به زبان ژاپنی است و به آن‌ها توصیه شده است ژاپنی یاد بگیرند.

دانشگاه‌های ملی در مقطع کارشناسی در مقایسه با دانشگاه‌های خصوصی رشته‌هایی با عنوان بین‌فرهنگی یا بین‌المللی کمتر تأسیس کرده‌اند و در این زمینه از سرعت کم‌تری برخوردار بوده‌اند. در مؤسسات ملی درس‌هایی با موضوعات بین‌المللی معمولاً در همان دانشکده‌های سنتی با رویکرد مقایسه‌ای و بین‌المللی عرضه می‌شود. به جز رشته‌های تازه تأسیس برای دانشجویان خارجی کم‌تر رشته‌ای با نام بین‌فرهنگی یا بین‌المللی در مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های ملی تأسیس می‌شود. بیشتر برنامه‌های درسی با موضوعات و محتوای بین‌المللی در رشته‌هایی مثل زبان‌شناسی یا زبان‌های خارجی عرضه می‌شود.

در سال تحصیلی ۲۰۰۳ در دانشگاه هیروشیما درس‌های رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی در مقطع کارشناسی به زبان‌های خارجی بالغ بر ۹۰٪ بوده، که موضوع‌ها و دیدگاه‌های بین‌المللی داشته است؛ در حالی که درس‌های رشته‌های تاریخ و فرهنگ مربوط به یک کشور یا آموزش یک رویکرد تطبیقی بین‌المللی یا رشته‌های بین‌رشته‌ای که شامل بیش از یک کشور باشد، مثل مطالعات منطقه‌ای و ناحیه‌ای ۲۱٪ به زبان انگلیسی بوده است. در اغلب موارد درس‌ها در سال اول و دوم انتخابی هستند و هر

دانشجویی حتی دانشجویان خارجی هم می‌توانند آن‌ها را برگزینند. برعکس در مرتبه تحصیلات تکمیلی تعداد درس‌هایی که درباره کشوری خارجی یا مطالعه منطقه‌ای و ناحیه‌ای است به ۶۰٪ افزایش یافته است، و تعداد درس‌های که به زبان‌هایی خارجی است ۲۸٪ کل درس‌ها را تشکیل می‌دهد.

همان‌طور که اشاره شد در سال‌های اخیر در ژاپن بین‌المللی کردن مطالب درسی در مؤسسات آموزش عالی رشد کرده است، و توافقات و همکاری‌های دو و چندجانبه بین دانشگاه‌ها و مؤسسات ژاپنی و خارجی انجام شده است. در سال ۲۰۰۲ تعداد ۶۰۰ دانشگاه حدود ۱۰۰۱۴ توافق‌نامه امضاء کردند که در سال ۱۹۹۵ این توافق‌نامه‌ها ۶۱۳۳ بوده است. چنین توافق‌نامه‌هایی باعث رشد و توسعه برنامه‌های درسی بین‌المللی کردن می‌شود. به علاوه در دانشگاه‌های خصوصی سعی شده است استادان خارجی را بیشتر استخدام کنند تا برنامه‌های رشد و توسعه بین‌المللی درس‌ها آسان‌تر انجام شود. مطابق آمارهای داده شده تعداد اساتید خارجی در سال ۲۰۰۲ از ۳۹۵۵ به ۹۳۷۸ افزایش یافته است. اعضای خارجی گروه در دانشگاه‌های خصوصی ۷۷٪ و در دانشگاه‌های دولتی حدود ۱۸٪ در دهه اخیر بوده‌اند. در برخی دانشگاه‌های خصوصی نیمی از افراد از کشورهای جز ژاپن استخدام شده‌اند.

### انجمن ادبیات تطبیقی ژاپن

یکی دیگر از شاخص‌های مهم رشد ادبیات تطبیقی وجود انجمن ادبیات تطبیقی آن کشور است. در سال ۱۹۴۸ انجمن ادبیات تطبیقی ژاپن به ریاست ناکاجیما کنزو<sup>۱</sup> با ۱۵۷ عضو در توکیو تأسیس شد. هدف این انجمن ارتقای تحقیقات محلی و بین‌المللی در فرهنگ و ادبیات تطبیقی در ژاپن بوده است و برای تحقق این هدف هفت وظیفه را دنبال کرده است: برگزاری همایش‌های ملی، نشست‌های تحقیقاتی، سخنرانی و همایش، انتشار مجله و خبرنامه، همکاری نزدیک با انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی، تبادل فیلم و فراهم کردن رفت‌وآمد محققان محلی و بین‌المللی، هدایت اعضاء و نمایندگان انجمن به انجام کارهای مرتبط، و تلاش برای محقق ساختن اهداف انجمن.

<sup>۱</sup> Nakajima Kenzo

در سال ۱۹۵۵ اولین خبرنامه انجمن، و در سال ۱۹۵۸ اولین مجله انجمن به چاپ رسید و تاکنون ۵۵۸ شماره از آن به زبان ژاپنی به چاپ رسیده است. علاوه بر شعبه توکیو چهار انجمن دیگر به نام انجمن کانسایی<sup>۱</sup> انجمن کیوشو<sup>۲</sup>، توهوکو<sup>۳</sup> و هوکایدو<sup>۴</sup> هم مشغول فعالیت هستند. تاکنون انجمن ۷۵ همایش ملی برگزار کرده است و همایش آتی در ۱۵-۱۶ جون ۲۰۱۴ در دانشگاه سی جو<sup>۵</sup>، برگزار خواهد شد. در آگوست ۱۹۹۱ برای نخستین بار در ژاپن سیزدهمین همایش انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی با محور «ادبیات تطبیقی اروپا و آسیا» برگزار شد.

از فعالیت‌های مهم انجمن ادبیات تطبیقی ژاپن همکاری با انجمن ادبیات تطبیقی چین و کره است، که با هم تاریخ ادبی شرق آسیا را تدوین می‌کنند. چین کره و ژاپن ارتباط فرهنگی قوی دارند و به لحاظ فرهنگی می‌توان آن سه کشور را در یک گروه قرار داد. در هر صورت هدف این پروژه به وجود آوردن نگرشی یکپارچه و منسجم به ادبیات آسیای شرقی است.

### نتیجه بحث

محققان تطبیق‌گر شرق با آنکه در هر کشور هویت‌های فرهنگی اجتماعی سیاسی و اقتصادی متفاوت دارند، اما می‌توانند و لازم است با گذشتن از محدودیت‌های منطقه‌ای و محلی در گفت‌وگو و تبادل نظر با یکدیگر به مشترکات فرهنگی نزدیک به هم دست پیدا کنند؛ و امکان شناساندن فرهنگ و ادبیات خود را به جهانیان فراهم کنند و به نقد و بررسی نظریه‌هایی که می‌تواند یا نمی‌تواند قابل اطلاق بر ادبیات این کشورها باشد بپردازند. نظر پرفسور چو درست می‌نماید که می‌گوید: «لازم است تحلیل درستی ارائه شود و نظریه‌ای را بر اساس ادبیات آسیای شرقی در برابر نظریه‌های ادبیات غرب مطرح کرد تا امکان گفت‌وگو بین دو طرف فراهم شود. اگر محققان آسیای شرقی ادبیات را فقط از دیدگاه غربی تحلیل کنند فقط یک الگوی غربی را دنبال کرده‌اند که نمی‌تواند

<sup>1</sup> Kansai

<sup>2</sup> Kyushu

<sup>3</sup> Tohoku

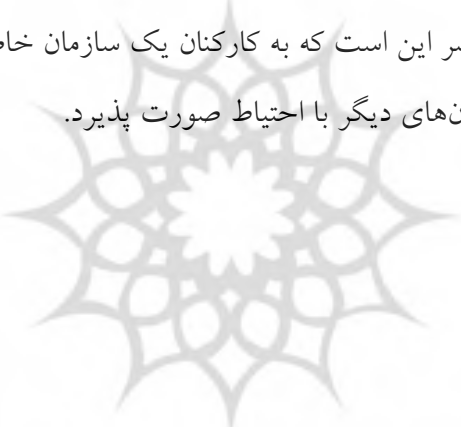
<sup>4</sup> Hokkaido

<sup>5</sup> Sei Jo University



اهمیت دیدگاه آن‌ها را نشان دهد. بستر فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ادبیات آسیای شرقی کاملاً با ادبیات غرب تفاوت دارد. بنابراین نظریات غربی در همه موارد بر ادبیات آسیای شرقی قابل اطلاق نیست. برای بکار بردن این نظریات محققان کشورهای آسیای شرقی باید با همکاران غربی گفت‌وگو داشته باشند، و با به کار بردن نظریه‌های غربی به تنهایی نمی‌توان تصویر کاملی از فرهنگ و ادبیات شرق ترسیم کرد؛ اما با گفت‌وگو با یکدیگر بهتر می‌توانند روند ادبیات آسیای شرقی را نشان دهند و قابل درک سازند. محققان تطبیق‌گر آسیای شرقی باید بر اساس مدارک محکم ادبی محتوای ادبی مشترک بین کشورهای آسیای شرقی را توصیف کنند.

◀ از نویسنده این مقاله گزارشی درباره انجمن ادبیات تطبیقی ژاپن در «ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی» شماره هفت به چاپ رسیده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## کتابنامه

- Keene, Donald. **Modern Japanese Literature**, Grove Press, 1956.
- Keene, Donald. **World walls: Japanese Literature of Pre modern Era, 1600-1867**, Columbia University Press. 1976, reprinted 1999.
- Keene, Donald. **Down to the west: Japanese literature in Modern Era**, Poetry, Drama, Criticism, Columbia University, 1784, 1998.
- Keene, Donald. **Seeds in the Heart: Japanese literature from the Earliest time to the latest sixteenth century**. Columbia University, 1993, reprinted 1999.
- McCullough, Helen Craig. **Classical Japanese Prose: an anthology**, Stanford University Press, 1990.
- Miner, Earl Roy. Odaginri, Hiroko, and Morrelle, Robert. **The Princeton companion to Clasical Japanese literature**. Princeton, N.J.: Princeton Press. 1985.
- Shibuga, Yu. "Hamlet's "Globe" and the Self as Performer in England and Japan", *Comparative Literature and Culture*, Purdu University Press, 2004, 6/1.
- Ishikura, Waka. "The Reception and Translation of Wordsworth in Japan", *Comparative Literature and Culture*, Purdu University Press, 2006, 2/8.
- Cho Dong-il. **Korean Literature in Cultural Context and Comparative Perspective**. Seoul: Jipmoondang Publishing Co, 1997.
- Yoshihiro, Osawa. **Gengo no aida wo yomu: Nichi. Ei. Kan no hikaku bungaku**, Shimbunkaku Publishing Co, Tokyo, 2010.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی